



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
صلاوة
وسلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

چشمه خورشید

یا مهدی ادرسی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چشمه خورشید

نویسنده:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله فرجه الشریف

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	چشمه خورشید
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	فهرست:
۱۰	بوی نرگس
۲۲	هدیه خدا - ماجرای تولد امام مهدی (علیه السلام)
۲۶	نام او مهدی است
۲۹	طاووس اهل بهشت
۳۰	یاران واقعی ...
۳۱	خیلی دور خیلی نزدیک
۳۲	پنهان و پیدا
۳۴	نمره انتظار:
۳۷	راه خانه ی تو
۳۸	دعایی برای امام
۳۹	به آسمان نگاه کن
۴۱	آرزوی تمام دل ها
۴۱	تو بوی سیب می دهی
۴۴	آیا می دانید؟
۴۵	بخوان و پاسخ بده
۴۷	در کلام معصوم:
۴۹	فرهنگ نامه مهدوی
۵۱	نیایش
۵۳	درباره مرکز

چشمه خورشید

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: چشمه خورشید [کتاب] / تهیه و تنظیم معاونت پژوهش بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج).

مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، 1396.

مشخصات ظاهری: 32 ص. : مصور(رنگی).؛ 24×5/16 س م.

شابک: 40000 ریال : 978-600-7120-86-6

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: گروه سنی: ج.

موضوع: اسلام -- مطالب گونه گون -- ادبیات کودکان و نوجوانان

موضوع: Islam-- Miscellanea -- Juvenile literature

شناسه افزوده: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)

رده بندی کنگره: 11PB /چ 5 6931

رده بندی دیویی: [ج] 297/02

شماره کتابشناسی ملی: 4692355

چشمه خورشید

تهیه و تنظیم معاونت پژوهش بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)

گرافیک: زهره رجیبی شیزری

تیراژ: 5000 نسخه

نوبت چاپ: اول / بهار 1396

شابک: 978-600-7120-86-6

قیمت: 4000 تومان

قم: خیابان شهدا کوچه آمار (22) بن بست شهید علیان: پ ۲۶ تلفن / 1 - ۳۷۸۴۱۱۳۰-۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۷۳: نمابر:

تهران: خیابان انقلاب خیابان قدس / خیابان ایتالیا / پ ۹۸ / تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۹۸۶۰۰-۰۲۱-۸۹۷۷۴۳۸۱: نمابر:

www.mahdaviat.ir

info@mahdaviat.ir

Entesharatbonyad@chmail.ir

ص: 1

اشاره

چشمه خورشید

تهیه و تنظیم:

معاونت پژوهش بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

ص: 2

به نام خدا

چشمه خورشید

فهرست:

هدیه خدا

ماجرای تولد امام مهدی (علیه السلام) 12

یاران واقعی 17

نمره انتظار 20

به آسمان نگاه کن 24

و کلی مطلب خوندنی دیگه

ص: 3

صدای باد می آید. باران بر بامهای سفالی می بارد پرنده آوازی دلنشین میخواند بهترین سرودها و نغمه های طبیعت اطرافم را پر کرده است

سرود آبشار، موسیقی جویبار، نغمه پرندگان...

چقدر سخت است که همهی صداها را میشنوم؛ اما صدای تو را نمیشنوم!

دریا، آبی و بی انتهاست سبزی درختها زیباست. پره‌های رنگارنگ پرندگان، چشم نواز است. کوه، بلند و دور دست است.

چقدر سخت است که همه چیز و همه کس را میبینم اما تو را نمیبینم بوی گل، اطرافم را پر کرده است. هر جا میروم بوی بهترین عطرها را حس میکنم بوی سبزه، بوی یاس بوی نرگس...

ای بهترین صدا ای زیباترین دیدنی ای خوش بوترین عطر عالم

ای عزیز ترین غایب بیا...

سلام ما

به نام خداوند مهربانها

دوست عزیزم سلام

... بیا

بیا و این آینه را در دستانت بگیر

به خودت خوب نگاه کن

چه میبینی؟

با خودت صادق باش

درست مثل آینه

همه خوبیها و بدیهایت را ببین

اینجا می خواهیم به هم کمک کنیم تا خوبیهایمان

چند برابر شود و بدیهایمان نیست و نابود.

میخواهیم باهم امام زمانمان را بیشتر بشناسیم و خودمان را برای یاری او آماده کنیم

برای شروع آماده ای؟

... پس بیا...

ص: 5

1. رحمت خدا...

نہا بازمانده یک کشتی شکسته توسط جریان آب به یک جزیره دورافتاده برده شد، با بیقراری به درگاه خداوند دعا می کرد تا او را نجات بخشد، ساعتها به اقیانوس چشم می دوخت، تا شاید نشانی از کمک بیابد اما هیچ چیز به چشم نمی آمد...

سرآخر ناامید شد و تصمیم گرفت که کلبه ای کوچک خارج از کلک بسازد تا از خود و وسایل اندکش را بهتر محافظت نماید، روزی پس از آنکه از جستجوی غذا بازگشت، خانه کوچکش را در آتش یافت، دود به آسمان رفته بود، اندوهگین فریاد زد: «خدایا چگونه توانستی با من چنین کنی؟»

صبح روز بعد او با صدای یک کشتی که به جزیره نزدیک می شد از خواب برخاست، کشتی می آمد تا او را نجات دهد.

مرد از نجات دهندگانش پرسید: چطور متوجه شدید که من اینجا هستم؟

آنها در جواب گفتند: ما علامت دودی را که فرستادی، دیدیم...!

هیچ وقت از رحمت خدا نا امید نشوید.

2. خیلی ممنونم...

آیا تا به حال دقایق و ساعاتی به اطراف خود نگاه کرده اید؟

از صبح که از خواب بیدار میشویم تا شب که به رختخواب میرویم، زندگی ما سرشار از جلوه های زیبای رحمت خداوند و پر از نعمتهای مادی و معنوی است. نعمتهای آشکار و پنهان.

نعمتهایی که با حساب و کتاب ما به شمارش نمی آید.

نعمتهای مادی چون زندگی سلامتی و شادابی، مسکن آب هوا دریاها، کوهها، غذاها، شب و روز سرما و گرما و نعمتهای معنوی چون امنیت خانواده، عقل محبت و مهربانی و..

راستی درباره هر کدام از این نعمتها چه قدر اندیشیده ایم و چه اندازه خدای مهربان را به خاطر آنها شکر گفته ایم؟

3. بهترین نعمت خدا.

در بین نعمت هایی که خداوند به ما هدیه کرده است بعضی از نعمتها خیلی با ارزش هستند.

مثل پیامبران و امامان

روزی ابوحنیفه به محضر امام صادق (علیه السلام) آمد.

امام فرمود:

شنیده ام که آیه 8 سوره تکاثر را که می فرماید:

در روز قیامت به طور حتم از نعمتها سؤال میشود اینطور تفسیر میکنی که خداوند مردم را درباره غذاها و آبها بازخواست می کند؟

ابو حنیفه گفت: درست است من این آیه را این طور تفسیر کرده ام.

امام فرمود: اگر مردی تو را به خانه اش دعوت کند و با غذای لذیذ و آب خنکی از تو پذیرایی کند و بعد برای این پذیرایی به تو منت بگذارد درباره چنین کسی چگونه قضاوت میکنی؟

ابو حنیفه گفت: می گویم آدم بخیلی است. امام فرمود: آیا خداوند بخیل است تا اینکه در روز قیامت در مورد غذاهایی که به ما داده ما را بازخواست کند؟

ابوحنیفه گفت: پس مقصود از نعمتهایی که قرآن میگوید از انسان درباره آن سوال میشود چیست؟ امام فرمود: مقصود از آن نعمت ما اهل بیت هستیم روز قیامت درباره ما قرار است سوال شود. (1)

ص: 6

راستی مگر اهل بیت علیهم السلام چه ویژگیهایی دارند که بزرگترین نعمت به حساب می آیند و در روز قیامت خداوند از نعمت وجود آنها، سؤال می کند؟

بیاید درباره آنها بیشتر بدانیم

قطار به مسیر خود ادامه میدهد...

عصر بود. داشتم مشق هایم را می نوشتم. تلفن زنگ زد مامان گوشی را برداشت. دایی حسین بود. از مشهد زنگ می زد.

مامان چندبار با خوشحالی گفت: «مبارک باشد. ان شاء الله که قدمش خیر است.» فهمیدم خدا به دایی حسین بچه ای داده است دایی از ما دعوت کرد که برای دیدن آنها به مشهد برویم.

بعد از شام مامان یک استکان چای برای بابا ریخت و جلوی او گذاشت. خودش هم نشست و گفته مروز حسین آقا تلفن زد و سلام رساند. بابا پرسید: «چه خبر بود؟ خوب بودند؟ مامان گفت: خوب بودند. بچشان هم به دنیا آمده دختر است. بابا سرش را بلند کرد و با تبسم گفت:

«مبارک باشد ان شاء الله»

مامان گفت: «حسین آقا میگفت به دیدنشان برویم» بابا گفت: «من که سرم شلوغ است و نمیتوانم بیایم اگر شما خواستید بروید، حرفی نیست مامان گفت: «اگر تو هم بیایی خوب

است.»

بابا قبول کرد و برای ساعت چهار بعد از ظهر روز پنجشنبه بلیط قطار گرفت آن شب من از خوشحالی خوابم نبرد.

به ایستگاه قطار که رسیدیم، بلندگو اعلام کرد که قطار تهران - مشهد آماده حرکت است. جلوی قطار رفتیم و به کمک مأمور قطار کوپه مان را پیدا کردیم قطار راه افتاد چه منظره های زیبایی یک ساعت از حرکت قطار نگذشته بود که یک مرتبه قطار ایستاد. همه مسافران از کوپه ها بیرون آمدند. بعد از پرس وجو معلوم شد که برای راننده قطار لوکوموتیوران) مشکلی پیش آمده و حالش بد شده است و امدادگر قطار در حال مداوای اوست.

با خودم گفتم یعنی قطار دیگر حرکت نمی کند؟

حالا این همه مسافر باید چکار کنند؟

اما بعد از چند دقیقه که گذشت جانشین راننده قطار را به حرکت در آورد و همه مسافران سر جای خود نشستند و همه به سمت مشهد حرکت کردیم.

بله دوستان، قطار اسلام توسط پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله و سلم) حرکت داده شد. پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) در مدت 23 سال رهبری آن را بر عهده داشت. این قطار در طول سفر خود با سختیها مواجه شد. اما با هدایت رسول خدا(صلی الله علیه و

آله و سلم) هم سختیها گذشت و هم قطار به حرکت خود ادامه داد تا این که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) متوجه شد روزهای آخر عمرش فرا است. آیا بعد از این همه تلاش و تحمل رسیده

مشکلات درست است پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) قطار اسلام را بین راه به حال خود رها کند و برود؟ نه آیا میدانید که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) وقتی متوجه شد.

روزهای آخر عمرش است چه کرد؟

از طرف خدا، امام علی (علیه السلام) را به عنوان جانشین خود معین کرد تا بتواند مسافران را به مقصد برساند.

ص: 7

امام کیست؟ آیا ما در زندگی خود به امام و راهنما احتیاج داریم؟

مسیر زندگی

امام یعنی پیشوا و پیشرو. پیشرو، کسی است که جلوتر از دیگران حرکت می کند و راه را نشان می دهد تا گروه را به مقصد برساند. به هر یک از دوازده پیشوای دین ما که جانشینان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) میباشند «امام» می گویند.

ستارگان اهل زمین

در زمانهای قدیم بسیاری از کاروانها در گرمای سخت تابستان، شبها سفر می کردند.

کشتی های زیادی در تاریکی شب به حرکت خود ادامه می دادند. آیا می دانید آنان چگونه مسیر حرکت خود را در تاریکی پیدا می کردند؟ توسط ستارگان؛ بله ستارگانی که در آسمان میدرخشیدند و با نور خود افراد را به سوی مقصدشان راهنمایی می کردند.

پیامبر عزیز ما می فرمایند:

همان گونه که ستارگان در تاریکی شب مسیر را برای عابران مشخص می کنند، امامان نیز روشنی بخش راه و مسیر زندگی ما انسانها می باشند».

قلب تپنده زمین

ببینیم دست داده تا با آن کار کنیم اما همه اینها بدون قلب و مغز کار نمی کنند. درست است؟ خداوند به ما گوش داده تا با آن بشنویم زبان داده تا با آن سخن بگوییم، چشم داده تا با آن دنیا را همان گونه که خداوند در بدن انسان مرکزی را قرار داده تا به وسیله آن اعضای بدن هدایت و راهنمایی شوند، به همان شکل در زمین امام و راهنمایی قرار داده است که انسان ها را رهبری کند و راه درست را به آنها نشان دهد. اما اگر انسان امام داشته باشد، راه درست و صحیح را به او نشان می دهد. آنها که امام ندارند راههایی در زندگی انتخاب میکنند که آنها را به سعادت و خوشبختی نمی رساند.

امام هیچ وقت نمی گوید که نمی دانم، بلکه امام پاسخ تمام پرسشها را می داند.

وقتی امام جواد(علیه السلام) در سن کودکی به امامت رسید، خیلی ها فکر کردند؛ چون امام جواد کودک هستند نمیتوانند پرسشها را پاسخ دهند. اما امام جواد(علیه السلام) در حضور بزرگان به تمامی سوالات آنان پاسخ داد و همه متوجه شدند که هیچ چیز بر امام پوشیده نیست.

سوار بر کشتی نوح

پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: اهل بیت من مانند کشتی نوح هستند که وقتی آب همه جا را فرا گرفت تنها جای امن کشتی حضرت نوح بود. هر کس سوار بر کشتی نوح شد. نجات پیدا کرد و هر کس به حضرت نوح ایمان نیاورد و سوار بر کشتی نشد غرق شد. بنابراین هر کس امامان را بشناسد و از آنها اطاعت کند، نجات می یابد و هر کس از آنها دور بماند در تاریکیهای دنیا غرق خواهد شد و راه هدایت را پیدا نخواهد کرد.

امامان معصوم

امامان از هر نقص و عیب و خطا و گناهی به دور هستند یعنی معصوم اند. شاید پرسید چطور ممکن است؟ یک سوال آیا تا کنون خودتان را توی آتش انداخته اید؟

نه کسی این کار را نمیکند چون میدانیم اگر داخل آتش بیافتیم میسوزیم و از بین میرویم همین دانایی و علم ما سبب می شود که چنین کار خطرناکی را نکنیم امامان معصوم نیز به همه امور آگاهی کامل دارند و از ضرر گناه و نافرمانی خداهم آگاه هستند.

پس هیچ وقت نزدیک گناه هم نمیشوند.

امام دوازدهم آخرین پیشوای ما

ما دوازده امام داریم که اولین آنها امام علی(علیه السلام) است.

حضرت علی(علیه السلام) می فرمایند: در آینده خداوند از نسل امام حسین مردی را پدید می آورد که هم نام پیامبر شماس است و در ویژگیهای ظاهری و اخلاقی به او شباهت دارد. آخرین امام و جانشین پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)، مهدی(عج) است که در غیبت به سر میبرند و روزی به امر خدا ظهور خواهند کرد.

دوست خوب من

بیاید کمی درباره دوست و دوستی صحبت کنیم کسی است که گاهی حرف دلمان را برایش میگوییم درباره شادیهها و غم هایمان با او صحبت میکنیم و از او برای حل مشکلاتمان کمک می خواهیم.

حتما دوستان زیادی دارید دوستان خوب و همراه کسانی که به درد و دلهایتان گوش میدهند کمکتان میکنند. شاید هم شده گاهی با هم قهر کنید و از هم ناراحت شوید، اما باز به دنبال بهانه ای هستید تا دوستی تان را دوباره از نو بسازید.

همیشه پدر و مادرهایمان به ما گفته اند که در انتخاب دوست دقت کنیم؛ چون دوستی که انتخاب میکنیم روی زندگی و آینده ما تاثیر می گذارد.

راستی به نظر شما ما با چه کسی باید دوست شویم و چطور باید با او دوستی کنیم اصلا به نظر خودتان شما برای همکلاسی هایتان دوست خوبی هستید؟

دوستی خوبه اما نه دوستی خاله خرسه

حتما داستان دوستی خاله خرسه را شنیده اید؟ ماجرای پیرمرد تنهایی که در کوه با خرس پیری دوست شد و آن خرس به خاطر محبتهای پیرمرد او را خیلی دوست داشت. وقتی پیرمرد میخواست با یک دستمال مگس های اطراف او را می پراند یک روز که خوابیده بود چند مگس سمج روی صورت پیرمرد می چرخیدند و موجب آزار پیرمرد شدند.

عاقبت خرس با وفا خشمگین شد و با خود گفت: الان بلایی سرشان می آورم که دیگر دوست مرا اذیت نکنند و بعد یک سنگ بزرگ را برداشت و مگسها را که روی صورت پیرمرد نشسته بودند نشانه گرفت و سنگ را محکم پرت کرد!

عاقبت دوستی خاله خرسی تلخ بود. دوستی با فرد نادانی که از روی محبت موجب آزار دوست خود شد.

دوستیهای دیگری هم داریم

مثلا دوستی مگسی دوستی با کسی است که فقط عیبهای ما را می بیند و دست روی همان ها می گذارد، بدون اینکه برای بر طرف کردن آنها به ما کمک کند.

یا دوستی زنبوری، دوستی با کسی که زبان تلخی دارد و خواسته یا ناخواسته با حرف هایش ما را آزار می دهد.

یا دوستی خروسی، دوستی با کسی که همیشه و سر هر چیز کوچکی با ما دعوا میکند. شاید اگر بخواهیم برای دوست خوب و دوستیهای واقعی اسمی انتخاب کنیم دوستی پروانه ای بهترین اسم باشد.

رفاقت یعنی چه؟ رفیق به چه کسی می گویند؟

رفیق شفیق آن کسی است که اگر هم گاهی او را ناراحت کردیم و یا ناخواسته در حقش بدی کردیم با ما مدارا کند و همچنان دوستانمان داشته باشد و کمکمان کند.

حالا می خواهم یک دوست خوب را به شما معرفی کنم کسی که همه آدمها را دوست دارد و برایشان دعا میکند این دوست خوب و رفیق شفیق امام زمان (عج) است که در دوستی اش سرشار از مهربانی است.

درست مثل یک دوست پروانه ای دوستی که همیشه کنارمان است و همیشه دنبال خوبیهای ما می گردد، در کنارش احساس آرامش میکنیم و می شود رفیق شفیق ما

ص: 10

امام همیشه به یاد ماست، حتی زمانی که ما از یاد او غافل هستیم و از او دوریم، وقتی در طول روز اشتباه میکنیم، او همچنان پذیرای ماست و دست کمک خود را به سویمان گرفته است. از ما ناراحت نمیشود چرا که عادت او محبت و بخشش است. امام به خوبی رسم دوستی و رفاقت را به جا می آورد.

آیا ما هم امام را به دوستی و رفاقت انتخاب کرده ایم

بچه ها حیف نیست این آقای مهربان را اذیت کنیم؟ او که چنین رفاقتی با ما دارد با بهترین دوست هم چند بار که بی محبتی کنیم ما را از خود می راند.

اما امام خیلی مهربان است. از وقتی به سن تکلیف میرسیم، هر اشتباهی که از ما سر میزند او شاهد و ناظر است. هر روز کارهای ما را میبیند اما یک دفعه هم نگفته دوستی اش را با ما تمام میکند و یا قهر قهر تا روز قیامت او ما را دوست دارد و برایمان دعا میکند، او مولای مهربان ماست. آری امام، چنین دوستی است. اما آیا ما هم او را به دوستی و رفاقت انتخاب کرده ایم؟ منصف باشیم، چقدر در طول شبانه روز به یادش هستیم؟ چقدر با او صحبت میکنیم؟

می دانم دلت میخواهد با امام دوست شوی امام دوست دار ماست و ما هم باید دوستی خود را به او ثابت کنیم یکی از شرایط دوستی این است که باعث ناراحتی دوستانمان نشویم و کارهایی را که خوشحالتان میکند انجام دهیم

به نظرت چطور می توانیم امام زمان (علیه السلام) را خوشحال کنیم؟

هر جا را که نگاه میکنی هر کس در هر شغلی و در هر سنی زن و مرد پیر و جوان همه دعای سلامتی امام زمان (علیه السلام) را زمزمه میکنند؛ توی مساجد و در مکانهای عمومی پشت ماشینهای رنگارنگ توی خانه ها و مغازه ها.

خلاصه هر جایی میشود دعای سلامتی آقا را دید. خیلی هم لذت بخش است که آخر هر نمازی انسان این دعا را بخواند:

اللهم کن لولیک الحجه بن الحسن..... با خودم فکر میکردم این همه آدم که دعای سلامتی امام زمان (علیه السلام) را می خوانند و میگویند ما آقا را دوست داریم و چون او را دوست دارند برای سلامتی اش دعا میکنند اما آیا تا به حال از خودشان سؤال کرده اند که آقا چه کسی را دوست دارد؟

دوستی یک طرفه که معنا ندارد. باید بفهمیم چه چیزی آقا را خوشحال میکند تا دوستی مان دو طرفه شود.

برای شروع بیا با هم روی این کارها، کار کنیم حتما امام زمان خوشحال خواهد شد. با هم برای سلامتی و ظهور امام زمان (علیه السلام) دعا کنیم.

به پدر و مادر خود کمک کنیم و آنها را از خودمان راضی کنیم

نمازمان را اول وقت بخوانیم و اگر توانستیم در نماز جماعت شرکت کنیم با دوستان خود مهربان باشیم و به آنها در کارهای نیک کمک کنیم

هدیه خدا - ماجرای تولد امام مهدی (علیه السلام)

یک:

چهارده شب می گذرد. از آن شبی که واقعه هولناک روی داد، زمین لرزید، تخت قیصر روم و میهمانان جشن عروسی دختر قیصر واژگون شد و همه چیز به هم ریخت. چهارده شب می گذرد.

خدایا این چه اتفاقی بود، یعنی این عروسی نباید سر می گرفت؟!

دختر یسوعا، در همان شبی که واقعه اتفاق افتاد، خواب عجیبی دید:

عیسی (علیه السلام) با جد او شمعون ابتدا پیش آمدند. آنگاه منبری در میان تالار قصر بر زمین نهادند.

ناگهان مردانی آمدند. آنها چه کسانی بودند؟!

ملیکه هیچ کدام را نمی شناخت؛ اما دید عیسی و حواریون، به احترام آنها از جای برخاستند.

آری پیشاپیش همه پیامبر اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می آمد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رو به عیسی (علیه السلام) آورده و گفت: «آمده ام که با تو پیوند بندم و این دختر را برای پسرم ابو محمد حسن عسکری از شمعون خواستگاری کنم.

عیسی (علیه السلام) رو کرد به شمعون و گفت:

«ای شمعون سعادت بر تو روی آورده و خوشبختی بزرگی که آرزوی هر کس می باشد در انتظار تو است.»

شمعون نیز با شادمانی فراوان پیوند با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را پذیرفت.

سپس رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) از آن منبر بالا رفته خطبه عقد را خواند.

دو:

از همان شب که آن خواب عجیب را دید همه وجودش را بی قرار و به خود مشغول کرده است.

مهر همسری را در دل داشت که هرگز او را ندیده بود.

شب چهاردهم است امشب، این بار ملیکه در خواب خانمی بزرگوار و نورانی را می بیند.

شما کیستید؟!

- فاطمه زهرا هستم مادر شوهر تو.

- شکایت دارم، از ابو محمد شکایت دارم،... و دیگر قادر نیست کلامی بر زبان بیاورد و می‌گرید.

آری این اشک اشک شوق است، شوق به امام حسن عسکری (علیه السلام).

فاطمه زهرا (علیها السلام) به ملیکه می‌فرماید:

«تا زمانی که در دین مسیح هستی فرزندم نزد تو نمی‌آید. باید مسلمان شوی. اگر امروز عیسی (علیه السلام) نیز اینجا بود به تو همین فرمان را می‌داد.»

سپس به تعلیم حضرت زهرا (علیها السلام) شهادتین را بر زبان جاری کرد.

فاطمه (علیها السلام) ملیکه را در آغوش می‌کشد و به او مژده می‌دهد که خیلی زود به دیدار فرزندم موفق خواهی شد.

ص: 12

از آن پس هر شب ملیکه امام عسکری (علیه السلام) را در خواب می دید تا اینکه شبی «ملیکه» باز به شوق دیدار امام به خواب رفت و در خواب امام حسن عسکری (علیه السلام) به او فرمود: که انتظار به سر آمده جد تو در همین روزها سپاهی را که آماده ساخته است، به جنگ مسلمانان خواهد فرستاد خود او نیز همراه سپاهش می شود. وقتی چنین شد تو هم اصرار کن که در کنار جد خویش همراه این سپاه باشی.

در این جنگ مسلمانان پیروز خواهند شد در هنگام عقب نشینی سپاه روم تو از سپاه عقب خواهی ماند و به عنوان غنیمت جنگی به دست سپاهیان خواهی افتاد مسلمانان تو را همچون زنان اسیر دیگر در اختیار برده فروشان قرار می دهند تا در بازار بغداد به فروش برسی.

امام هادی (علیه السلام) بشر انصاری را به حضور می طلبد و به او می فرماید:

کار مهمی بر عهده ات خواهم گذاشت.

- مولایم هرچه فرمایی بر انجامش شتاب خواهم کرد.

چهار:

امام هادی (علیه السلام) نامه ای مهر و موم شده همراه با کیسه پول که دویست و بیست سکه طلا در آن بود به بشر داد و فرمود:

ای بشر این همیان و نامه را با خود بردار و به بغداد روانه شو. آنگاه که رسیدی فردایش یک کشتی تجاری به بغداد خواهد آمد در این کشتی کنیزانی هستند که برای فروش آورده شده اند.

یکی از فروشندگان عمرو بن یزید نام دارد و دختری همراه او می باشد.

تو خودت را به فروشنده برسان و بگو کسی نامه ای به خط رومی نوشته است تا به این کنیز بدهم.

وقتی آن دختر مهر و موم نامه را می گشاید و پیام ما را می بیند چهره اش خندان و شکوفا شده و رضایت خود را برای فروش اظهار می کند.

ای بشر این دویست و بیست سکه را به فروشنده پرداخت کن و دختر را همراه خویش به سامرا بیاور.

بشر انصاری بعد از اتمام کلام امام هادی (علیه السلام) از حضور حضرت مرخص شده و راه بغداد را در پیش می گیرد.

پیش بینی امام هادی (علیه السلام) ذره ای با آنچه روی می دهد تفاوت ندارد و بشر انصاری همراه آن دختر به سوی خانه امام هادی (علیه السلام) رهسپار می شود.

بشر از یک چیز خیلی متعجب شده بود، آن دختر زبان عربی را بسیار خوب صحبت می کرد با اینکه دختری از روم بود.

از او پرسید چگونه زبان عربی را به این مهارت می دانی؟

نرجس می گوید: جدم قیصر چون استعداد فوق العاده و هوش و ذکاوت حیرت انگیزی را در من مشاهده می کرد دوست داشت تا زبان عربی را فراگیرد و من زبان عربی را بسیار خوب و در مدتی کوتاه از مریبان خودم آموختم.

پنج:

بشر، نرجس را به خدمت امام هادی (علیه السلام) برد.

امام هادی (علیه السلام) پس از مشاهده نرجس، کسی را به طلب خواهرش فرستاد.

حکیمه - خواهر امام دهم - نزد برادر می آید.

امام در حالی که شادمان می باشد به خواهر می گوید:

«آن زن شایسته ای که در انتظار دیدارش بودی ببین.

امام دهم به خواهرش فرمود: او را به خانه ببر و تعالیم مذهبی را برایش بازگو تا بیاموزد. او همسر تنها فرزندم و مادر مهدی قائم آل محمد خواهد بود.

مدت ها گذشت و نرجس پیوسته در منزل همسر بزرگوارشان امام عسکری (علیه السلام) بود، قرار بود فرزندى به دنیا بیاورد که امید همه جهانیان بر او بود.

شش:

مدتی گذشت تا اینکه یک روز امام عسکری (علیه السلام) به عمه خود «حکیمه» فرمود: «امشب را پیش ما بمان که فرزندم متولد خواهد شد.»

بله انتظار به سر آمد و نوزادی پاک و معصوم در سال 255 هجری قمری متولد شد.

و بعد از تولد سر به سجده گذاشت.

حکیمه نوزاد را پیش امام عسکری (علیه السلام) آورد و حضرت او را بر روی کف دست چپ نشانند و دست بر سر او کشید و بعد به او فرمود: «سخن بگو». و نوزاد این جملات را گفت:

اشهد ان لا اله الا الله...

ص: 13

نام او مهدی است

هر کسی قول و یا وعده ای می‌دهد باید تمام تلاش خود را بکند تا به وعده خود عمل کند آیا تا به حال به خدای مهربان قولی داده‌ای؟ آیا برای عمل به آن تلاش کرده‌ای؟

راستی میدانی که خداوند متعال نیز به ما قولی داده، او در قرآن به ما وعده داده است که روزی با ظهور امام، موعود جهان را گلستان خواهد کرد خوب میدانیم که خداوند؛ هرگز برخلاف وعده اش عمل نمی‌کند.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ

ال عمران / آیه 9

اعتقاد به امام موعود در همه ادیان مطرح شده است؛ زرتشتیان او را «سوشیانس» مینامند و معتقدند که او روزی خواهد آمد و جهان را از عدالت پر خواهد کرد، یهودیان در انتظار سرور میکائیلی هستند مسیحیان موعودشان را عیسی (علیه السلام) میدانند.

ما مسلمانها امام موعود را مهدی میخوانیم که طبق وعده خداوند روزی ظهور خواهد کرد و جهان را پر از زیبایی و عدالت و احسان میکند. روزی که حضرت مهدی (علیه السلام) ظهور کند همه مردم از همه ادیان می آیند و او را از خودشان میدانند و میگویند او همان کسی است که ما موعودش می خواندیم.

شناسنامه: امام دوازدهم

نام: محمد

لقب: مهدی کنیه: ابوالقاسم

نام پدر: حسن

نام مادر: نرجس

محل تولد شهر سامرا در عراق

روز و ماه ولادت پانزدهم ماه شعبان

سال ولادت: 255 هجری

حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: اگر از روزگار دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد، خداوند بزرگ آن روز را طولانی می‌گرداند تا در آن روز خداوند ظهور مردی را به انجام برساند که از خاندان من است، او هم نام من و کنیه اش هم کنیه من است. او می‌آید تا عدل و داد را در زمین برقرار کند و ظلم و ستم را از بین ببرد.

امام را با القاب گوناگونی میشناسیم که هر یک گوشه ای از شخصیت او را نشان می دهد.

امام ما که عشق و محبت او را در دل‌هایمان داریم از نسل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و از خاندان امامان و وارث همه پیامبران است. هم نام رسول خداست و در صورت و سیرت شبیه پیامبر است میخواهیم با لقبهای حضرت که در روایات آمده است، بیشتر آشنا شویم:

هادی و مهدی

امام هم «هادی» است و هم «مهدی» او هدایت کننده مردم است و توسط خداوند هدایت شده است.

بقیة الله

امام ذخیره الهی و یادگار خط امامان بر روی زمین است .

صاحب الزمان

امام صاحب الزمان است و «صاحب الأمر» و «ولی عصر» و «حجت الله». او صاحب زمین و زمان است. حجت برگزیده خداست امید انسانها و احیاکننده دین نور خدا در زمین پیشوای مستضعفان و فریادرس مظلومان و درماندگان است.

وارث

امام وارث است وارث دین خدا و ادامه دهنده راه و رسم همه انبیای الهی است.

قائم

امام «قائم» است، ایستاده و استوار و پابرجا و قیام کننده به عدل؛ تا جهان را به قیام حق طلبانه فراخواند.

منصور

امام «منصور» است، او یاری خداوند و حمایت مومنان را پشت سر دارد و بر ستمگران و ظالمان پیروز خواهد شد.

* به نظر شما زیبایی به صورت و ظاهر است یا به اخلاق و رفتار و یا هر

** اگر کسی صورت زیبایی داشته باشد اما متکبر و مغرور باشد؛ شما او را برای دوستی انتخاب می کنید؟

*** تا به حال فکر کرده اید که چرا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، بلال حبشی را که یک سیاه پوست بود؛ آن قدر دوست داشت؟

**** راستی اگر کسی پیدا شود که هم رفتار و اخلاقش خوب باشد و هم صورت و ظاهرش؛ دوست داری با او رفیق شوی؟

او هم اخلاقی خوب دارد و هم صورتی زیبا تا نگاهش کنی آنچنان دلت را مجذوب میکند که نگو؛ مردم عاشق دیدنش هستند. از خوبی اخلاقش هر چه بگوییم کم گفتیم، متواضع، بخشنده خوش اخلاق و باگذشت. او مهربان و صمیمی است و همه دوست دارند لحظه ای هر چند کوتاه، با او هم صحبت شوند چرا که او بهترین و زیباترین است. او را میشناسی؟

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: المهدی طاووس اهل الجنة

مهدی طاووس اهل بهشت است. طاووس از زیباترین پرندگان است حضرت مهدی (عج) نیز یکی از زیباترین افراد اهل بهشت است.

خوب است، بدانیم ما امامی داریم که هم جمال دارد و هم کمال هم صورت زیبا و نورانی دارد و هم سیرت پر بار و نورانی هم دست خدمت و مهربانی بر مردم دارد و هم ایمان عمیق و سرشار از معنویت به خدا آری حضرت مهدی (عج) مانند پیشوایان معصوم دیگر دارای کمالات اخلاقی ویژه ای است. از آنجا که معصومین (علیه السلام) انسانهای کاملی هستند و از هر جهت اسوه و الگوی بشریت هستند اخلاق نیکو را نیز در بالاترین حد دارا میباشند.

امام رضا (علیه السلام) می فرماید:

«مهدی (عج) داناترین، بردبارترین و پرهیزگارترین مردمان است. او از همه انسانها بخشنده تر، شجاع تر و عابدتر است.»

به نظر شما اگر یک فرماندهی توانمند و قدرتمند سربازی نداشته باشد، چه می شود؟

راستی میدانید امام علی (علیه السلام) به خاطر اینکه یار و همراه نداشت 25 سال خانه نشین شد؟ فکر نمیکنید اکنون هم نداشتن یار و یاور باعث شده که امام زمان (عج) در غیبت باشند و از طرف خداوند به ایشان اذن ظهور داده نشود؟ یاری امام را دارند.

بله دوستان اگر یاران امام زمان (عج) آماده شوند ایشان خواهد آمد. البته یاران، واقعی نه کسانی که تنها به زبان ادعای یاری امام را دارند.

شاید بپرسید آیا ما هم میتوانیم در لیست یاران ایشان جایی داشته باشیم؟

دوست خوبم، خودت را دست کم نگیر تو هم میتوانی در گروه یاران امام قرار بگیری تنها کافی است در راه یاری او قدم برداری و با تلاش و توکل به خدا و عمل به دستورات، او سرباز کوچک امام زمان (عج) شوی.

معرفی کتاب:

نام کتاب:

داستان های شگفت انگیز از کودکی امام زمان

نویسنده: محمد یوسفیان

تصویر سازی احسان سلیمانی، عادلہ مینویی

ناشر: مرکز تخصصی مهدویت

کتاب داستانهای شگفت انگیز از کودکی امام زمان (عج) شامل 7 داستان با عناوین راز نیمه ماه شوق دیدار بشارت، رهایی راز، کیسه های طلا، «نامه رسان»، «جویندگان حقیقت» بوده و در بهار سال 1395 به چاپ رسیده است.

با خواندن این کتاب میتوانید با دوران کودکی امام زمان (عج) قبل از آغاز دوران غیبت بیشتر آشنا شوید.

ص: 17

(ماه منیر داستان پور)

صبح که از خواب بیدار شد؛ حس و حال خانه مثل هر روز نبود. نه از بوی نان تازه خبری بود؛ نه از قل قل همیشگی سماور پدر از قبل هشدار داده بود؛ اگر فکری برای بهتر شدن رفتارشان نکنند و همچنان به و اذیت کردن مادر ادامه دهند؛ به زودی او را از آنها دور خواهد کرد تا شاید قدر او را بدانند.

سارا تنها دختر خانه بود و سعید برادرش سه سال از او کوچکتر بود. با خودش فکر کرد برای نشان دادن بزرگی اش هم که شده باید چنان به امور خانه رسیدگی کند که به پدر ثابت کند، نباید آنها را اینطور تنبیه می کرد.

هنوز جای را دم نکرده بود که رفت سراغ یخچال دلش میخواست اینبار به جای خوردن صبحانه هر روزه برای خودش نیمرو درست کند اما هر چه چشم گرداند هیچ اثری از تخم مرغ در یخچال پیدا نکرد وقتی بی توجه به آن مشکل کوچک به سمت قوری خوش رنگشان رفت تا جای دم کند؛ یادش افتاد اصلا از جای جای در خانه خبر ندارد.

بی معطلی به سمت تلفن رفت تا با مادر تماس گرفته و درباره جای وسایل خانه از او پرسد ولی فکر کرد اینگونه بیشتر خودش را کوچک نشان میدهد تا بزرگ بنابراین از جای خوردن هم دست کشید و به همان نان و پنیر رضایت داد.

می خواست تا قبل از اینکه سعید از مدرسه برگردد؛ ناهار خوشمزه ای برای او ترتیب دهد، ولی خیلی زود فهمید که بدون مادر درست کردن حتی یک املت ساده هم برایش سخت است. باید غرورش را زیر پا گذاشته و عذر خواهی میکرد نه به خاطر اینکه ممکن بود تا قبل از آمدن مادر خودش و سعید یا از گرسنگی بمیرند یا از خوردن زیاد غذای آماده دچار بیماری شوند بیشتر برای اینکه به این نتیجه که رسیده بود بدون مادر همه چیز ناقص است و مطمئن بود نیاز دارد که مادرش به او زندگی کردن را یاد دهد.

سارا از پدر عذرخواهی کرد و خواست که مادر را به خانه بیاورد اما پدر به این راحتیها نمیتوانست به حرف آنها اطمینان کند شب که خسته و کوفته از سر کار به خانه بازگشت و عذرخواهی آنها را شنید؛ گفت: باید به من ثابت کنید میتوانم او را به خانه بازگردانم. باید خیالم را از اینکه دیگر اذیتش نمی کنید و به حرفهایش گوش میدهید؛ راحت کنید.

از فردا کار سارا شده بود، رسیدگی به امور خانه از ریز تا درشت همه چیز را تمیز و مرتب سرچایش میگذاشت کم کم از جا و میزان تمام مواد غذایی مطلع شده بود.

پدر وقتی اوضاع سر و سامان گرفته خانه را دید قول داد مادر را به خانه باز گرداند صبح روز نیمه شعبان، وقتی مادر از خانه ی همسایه طبقه بالایی که زن تنهایی بود و از او برای چند روزی میزبانی میکرد؛ به خانه برگشت سارا به این فکر میکرد که خدا کی به آدم ها اعتماد می کند و امام زمان (عج) را باز می گرداند؟ مادر در این چند روز خیلی از آنها دور بود و خیلی نزدیک

درست مثل امام که میگفتند خیلی به ما نزدیک است اما گاهی او را دور احساس می کنیم گرچه فقط کفایت کمی خانه روحمان را نظافت کنیم تا او برگردد.

پنهان و پیدا

بعد از شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام)، یکی از حاکمان ظالم به نام معتمد در پی حضرت مهدی (عج) بود تا ایشان را پیدا کند زیرا میدانست که ایشان بدکاران و ظالمان را نابود خواهد کرد تا دو سال دنبال ایشان بودند اما نمی توانستند امام زمان (عج) را پیدا کنند.

معتمد چندین مرتبه سرزده به منزل امام حسن عسکری (علیه السلام) وارد شده بود، اما باز هم مأموران او نتوانسته بودند مهدی (عج) را پیدا کنند جان آخرین امام در خطر بود از آنجا که خدا می خواست تا بوسیله امام زمان (عج) تمام عالم را پر از مهربانی و خوبی کند، بنابراین امام زمان (عج) به خواست خداوند از دیدگان مردم غائب شد تا جانشان حفظ شود و هر موقع که خداوند امر فرمود ظهور کنند و در تمام دنیا حکومت الهی برپا کنند.

وقتی امام زمان (عج) غائب شد، فکر می کنید مردم اگر سوالی داشتند چگونه می توانستند از ایشان بپرسند؟

مردم میتوانستند بوسیله نمایندگان که حضرت مهدی (عج) انتخاب کرده بودند، با ایشان در تماس باشند.

بنابراین اگر سوالی و یا مشکلی داشتند به نماینده مخصوص امام زمان (عج) می گفتند و بوسیله او پاسخ خود را می گرفتند. نمایندگان امام چهار نفر بودند که یکی پس از دیگری از طرف آن حضرت، نماینده بودند.

اسم آنها به ترتیب عبارت اند از:

1. عثمان بن سعید. 2. محمد بن عثمان 3. حسین بن روح نوبختی 4. علی بن محمد سمري

این نمایندگان همگی از بزرگان و دانشمندان دین بودند و امانتداری و رازداری از خصوصیات مهم آنان بود.

این چهار نفر روی هم رفته به مدت 69 سال واسطه ای بودند جهت ارتباط مردم با امام زمان (عج). که این دوران به نام غیبت صغری

معروف است. یعنی دوران غیبت کوتاه مدت. بعد از آن دیگر کسی بصورت مستقیم با امام زمان (عج) ارتباط ندارد و به دستور حضرت، شیعیان باید سؤالات خود را از عالمان دین پرسند که این دوران به نام غیبت کبری معروف است. یعنی غیبت بلند مدت و زمانی تمام میشود که امام زمان (عج) ظهور کند.

ص: 19

عقربه ساعت کلاس روی 5 ایستاد، صدای زنگ مدرسه در کلاسها پیچید سعید نفس راحتی کشید و به سرعت کتاب و دفترش را در کیفش گذاشت، از دوستانش خداحافظی کرد و با عجله به طرف خانه رفت وقتی به خانه رسید مادر توی آشپزخانه مشغول درست کردن ناهار بود سعید به مادر سلام کرد و بعد به اتاقش رفت.

مادر با نگاهش، سعید را دنبال کرد، هیجان سعید مادر را به خنده انداخته بود، آخر قرار بود پدر بزرگ سعید امروز به خانه آنها بیاید.

سعید به اتاقش رفت در را بست دفترچه یادداشت را از کیفش بیرون آورد و روی میز گذاشت تمام صفحات دفترش پر شده بود، چند ماه پیش وقتی پدر بزرگش میخواست به مسافرت برود، سعید خیلی ناراحت بود پدر بزرگ به او گفت که نگران نباشد و او باز هم به خانه آنها خواهد آمد. سعید به پدر بزرگش گفت: اما من دلم برای شما تنگ میشود.

پدر بزرگ دستی بر سر سعید کشید و گفت: من هم دلم برای تو تنگ میشود ولی همیشه به یادت هستم آن روز پدر بزرگ آن دفترچه آبی را به سعید داد تا در این مدتی که پیش هم نیستند. سعید در دفترش به کارهای خودش نمره بدهد و کارها و حرفهایش را برای پدر بزرگ بنویسد، تا وقتی باز به خانه آنها آمد، ببیند سعید در این چند وقت چه کارهایی انجام داده است. سعید از همان روز تصمیم گرفت آنقدر کارهای خوب انجام دهد که دفترش پر شود از کارهای درست و حرفهای قشنگ تا وقتی پدر بزرگ برگشت از دیدن این همه کار خوب خوشحال شود.

سعید هر روز صبح دفترش را نگاه میکرد و در تمام روز تلاش میکرد تا شب خبرهای خوبی برای نوشتن در دفتر با خودش به خانه بیاورد، او هر کار خوبی که انجام میداد را توی دفترش می نوشت، گاهی وقتها هم که اشتباهی میکرد حواسش جمع بود که سریع اشتباهش را جبران کند و اگر کسی را ناراحت کرده از او عذرخواهی کند؛ تا دفترش پر باشد از خوبیها و اثری از بدی توی آن نباشد آخر پدر بزرگ سعید آدم خیلی خوبی بود و همیشه به همه کمک میکرد و دوست داشت سعید هم این را یاد بگیرد. سعید دفترش را باز کرد و شروع به خواندن یکی از یادداشتهای روزانه خود کرد

روز بیستم، بابا بزرگ خوبم سلام خیلی دلم برایتان تنگ شده دعا میکنم زودتر به خانه ما بیایید.

امروز روز خوبی بود، صبح مادر مرا برای نماز بیدار کرد، نماز را اول وقت خواندم برای امتحان علوم به علی کمک کردم و درسی را که غایب بود برایش توضیح دادم در کارهای خانه به مادر کمک کردم پدر بزرگ من امروز خیلی خوشحالم امیدوارم شما هم با خواندن این دفتر خوشحال شوید. سعید دفترچه را بست و روی میز گذاشت چشمانش را بست و صورت پدر بزرگش را دید که میخندید و از او راضی بود.

ما به عنوان منتظران امام زمان (علیه السلام) وظیفه داریم که همیشه رضایت امام را همراه خود داشته باشیم، رضایت ایشان بر هر کاری مقدم است.

ما باید به این نکته توجه داشته باشیم که دفترچه کارهای ما هر هفته به امام زمان (علیه السلام) نشان داده میشود و ما باید مراقب باشیم هنگامی که دفترچه اعمال ما به دست حضرت داده میشود امام را خوشحال کند و نگذاریم در دفترچه مان اثری از دروغ، غیبت بی توجهی به نماز و... باشد.

چه کارهای باید انجام داد؟

ما همه منتظر امام زمان (علیه السلام) هستیم شاید برسید. در این انتها چه کارهایی برای آمدن ایشان باید انجام بدهیم؟

اول

به یاد حضرت مهدی (علیه السلام) بودن اما چگونه؟

1. خواندن دعای سلامتی امام زمان (علیه السلام) اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن.....

2. رفتن به مکانهایی که مربوط به امام زمان (علیه السلام) است، مثل مسجد مقدس جمکران

3. شرکت در مراسمهایی که به یاد امام زمان (علیه السلام) برگزار می شود مثل دعای ندبه

راستی در محل شما کجا دعای ندبه برگزار می شود؟

دوم

یاری کردن امام زمان (علیه السلام)

شاید برسید چگونه می توانیم ایشان را یاری کنیم؟

یا

1. خوب درس خواندن

وقتی امام مهدی (علیه السلام) ظهور کنند یاران زرنگ میخواهند پس اگر ما الآن خوب درس بخوانیم ایشان را یاری کرده ایم

2. حمایت از مردم مظلوم

چطور ما می توانیم از مردم مظلوم حمایت کنیم؟! الآن برای شما مثالی میزنم تا متوجه شوید امام خمینی (ره) روز قدس را به عنوان حمایت از مردم مظلوم فلسطین قرار دادند. وقتی ما در راهپیمایی روز قدس شرکت کنیم در حقیقت از مردم مظلوم حمایت کرده ایم و این نمونه ای از یاری کردن امام زمان (علیه السلام) است چون ایشان هنگام ظهور از تمام مظلومان دنیا حمایت میکنند به نظر شما چه

کارهای دیگری در دوران غیبت امام زمان (علیه السلام) می توان انجام داد تا زمینه های ظهور ایشان فراهم شود.

ص: 21

صبح جمعه بود من و مامان و خاله سارا از دعای ندبه برمیگشتیم دیشب یک عالمه باران آمده بود و همه کوچه ها و خیابانها را خیس خیس کرده بود خاله هی چادرش را بالا- میکشید تا گلی نشود. یک دفعه من از مامان پرسیدم «مامان نمی شود رفت پیش امام زمان(عج)؟»

مامان کمی نگاهم کرد و گفت: «عزیزم خیلی راهها هست که به امام زمان (عج) میرسد.» خاله خندید و گفت: «البته اگر مثل اینجا پر از چاله نباشد که سر تا پایت گلی شود.» مامان خندید. من با تعجب پرسیدم: مگر راه خانه امام زمان (عج) هم خراب است؟! مامان سرم را بوسید و گفت: نه عزیزم راه خانه او تمیز و سالم است به شرط اینکه ما خرابش نکنیم.

گفتم: «چطور؟» مامان گفت: «با کارهایمان هر کار بدی که بکنیم هر حرف بد یا دروغی که بگوییم، مثل این است که سر راه خانه اش یک چاله کندهایم خاله: گفت آن، وقت اگر هم آن راه را برویم و پیش امام برسیم، همه لباسهایمان خیس و کثیف است و خانه او را هم کثیف میکنیم مامان خندید و گفت: «هیچ صاحب خانه ای از مهمان کثیف و شلخته خوشش نمی آید.»

امام زمان

من دلم نمی خواهد یک مهمان شلخته باشم، لطفا کمکم کن تا کار بد و اشتباهی انجام ندهم، کمک کن مواظب راه خانه تو باشم دلم میخواهد وقتی به خانه تو می آیم، تمیز تمیز باشم.

ص: 22

دعایی برای امام

امام زمان (عج) ما را به دعا برای فرج سفارش نمودهاند و میفرمایند: «برای فرج من بسیار دعا کنید که همان فرج و گشایش شماست به یقین دعای ما اثر دارد که اگر نداشت آن بزرگوار درخواست دعا نمینمود، پس بیایید برای آمدنش دعا کنیم و مهمتر این که دیگران را نیز با خود همراه کنیم با هم با این دعاها آشنا می شویم.

دعای «اللهم کن لولیک»

این دعا دعای سلامتی امام زمان (عج) است. ما در این دعا از خدا میخواهیم که ولی و سرپرست و یار و یاور و راهنمای امام مهدی (عج) باشد.

دعای عهد

امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس این دعا را چهل روز بخواند از یاوران امام زمان خواهد بود. ما با خواندن این دعا برای یاری آن حضرت و ایستادن تا پای جان در راه او اعلام آمادگی میکنیم این دعا در مفاتیح الجنان آمده و با این جملات شروع میشود: اللهم رب النور العظیم...

زیارت آل یاسین

با بیست و سه سلام آغاز میشود سلامی به آل یاسین که خاندان پاک پیامبرند و سپس سلامهای پاک و غرق در عطر، روشنی به امام زمان (عج) و پس از آن تجدید عهد با ایشان زیارت آل یاسین از زیارت‌های مشهور امام زمان (عج) است.

ص: 23

به آسمان نگاه کن

محمد کاظم مزینانی

به آسمان نگاه کن

چقدر آب رفته است

و ماه، ماه منتظر

در آن به خواب رفته است

درخت ها از انتظار

چه رنگ رنگ گشته اند

پرنده ها به شاخه ها

تمام سنگ گشته اند

صدای آه از زمین

به گوش ماه میرسد

نوشته روی جاده ها

کسی ز راه می رسد

کسی که نسل روشنش

به آفتاب می رسد

به سبزه ها، درختها

به خاک و آب می رسد».

بیا که جاده ها تو را

بلند آه میکشند

و اسبها به بوی تو

عنان به راه می کشند

بیا که آسمان پر از

پرنده های آهنی ست

بیا که عصر گریه ها

و خنده های آهنی ست

ص: 24

آرزوی تمام دل ها

ای امامی که نام زیبایت

مثل گل ها همیشه بر لب ماست

قصه های محبت و لطف

بهترین قصه های هر شب ماست

ای که از دشت و کوچه و شهر

نرم نرمک همیشه می گذری

با همه همزبان و همراهی

از دل ما همیشه باخبری

نام نیکت شبیه پیغمبر

گلی از بوستان فاطمه ای

پیشوای شجاع و بی مانند

مهربانی و رهبر همه ای

آفتاب همیشه تابانی

روشنی بخش چشم دنیایی

سایبان امید و ساحل مهر

آرزوی تمام دل هایی

تصویر



نو بوی سیب می دهی

تو بوی سیب می دهی

تو بوی یاس و یاسمن

تویی فقط پس از خدا

در این جهان بی بهار

تو نو بهار نرگسی

تمام عشق و شور من

تو اهل کوی عسکری

تو یادگار نرگسی

کجایی ای بهار من؟

بیا بیا که خسته ام

بیا و شاد کن مرا

بیا که دل شکسته ام

تو بهترین بهانه ای

برای بی قراری ام

به یاد نام پاک تو

همیشه من بهاری ام!

تویی امید و عشق ما

تو آن ما، تو این ما!

تو آخرین ستاره ای

در آسمان دین ما!

تصویر



ص: 25

آیا می دانید اولین کاری که حضرت مهدی (عج) بعد از تولد انجام دادند، سجده بر پروردگار متعال بود؟

آیا می دانید غیر از امام مهدی (عج) که در سن پنج سالگی به امامت رسیدند امام جواد (علیه السلام) و امام هادی (علیه السلام) نیز در کودکی به مقام امامت رسیدند؟

آیا می دانید اولین شخصی که در زمان ظهور با حضرت مهدی (عج) بیعت میکند، جبرئیل امین (علیه السلام) است؟

آیا می دانید حضرت عیسی (علیه السلام) در هنگام ظهور، در نماز به امام زمان (عج) اقتدا میکند؟

آیا می دانید خداوند در مقابل خواندن هر کلمه از «دعای عهد» به خواننده، آن هزار پاداش عطا میکند و هزار گناه او را محو میکند؟

آیا میدانید اولین جایی که امام زمان (عج) هنگام ظهور آن را فتح میکنند، شهر مکه است؟

پند آفتابگردان

• میثم آقایی

گلی پژمرده و بی رمق در حالی که زیر سایه لم داده بود، رو به آفتابگردان کرد و گفت عجب رشدی کرده ای چه خوب بزرگ شده ای چه خوب قد کشیده‌های خورشید هوای تو را دارد؛ اما اصلاً ما را حساب نمی‌کند و به ما نگاه هم نمی‌کند».

آفتابگردان نگاهی پر مهر به گل کرد و گفت: «اصلاً این طور نیست. آفتاب به همه یک جور می‌تابد و عدالت آفتاب، شهره است. منتها من از اول صبح که آفتاب می‌خواهد در بیاید رو به او می‌کنم و تا غروب رویم به اوست و در این مدت از نور او کمال بهره را میبرم؛ اما تو زیر آن درخت تنومند راحت خوابیده ای و منتظری دستی از غیب کمکت کند. تو خودت رو به خورشید نمی‌کنی و گرنه او کمکت میکرد و تو هم رشد میکردی پس تقصیر از جانب توست.»

دوستان عزیز

سید بن طاووس در مقدمه کتاب «لهوف» به فرزندش فرموده: «اینکه خداوند عده ای را به عنوان دوست خودش انتخاب میکند به خاطر این است که آنها لطف خداوند را قبول کرده اند، یا به عبارت دیگر، خودشان را در معرض لطف خداوند قرار داده اند. امام زمان (علیه السلام) هم جانشین خداوند بر زمین هستند و مثل ایشان مثل خورشید است؛ پس اگر کسی خودش را در معرض عنایات حضرت قرار دهد، مورد لطف و عنایت ایشان قرار میگیرد.»

سوال:

آیا تا به حال به خورشید در حالی که پشت ابر است نگاه کرده ای؟ آیا زمانی که خورشید را نمی‌بینی خورشید حاضر است یا غایب؟ آیا هنگامی که خورشید پشت ابر است، گرمای آن به زمین میرسد؟ آیا در این حالت زمین تاریک است یا روشن؟ آیا ابرها برای همیشه جلوی خورشید را می‌گیرند؟

حضرت مهدی علیه السلام:

بهره مند شدن از من در زمان غیبتم مانند بهره مندی از خورشید پشت ابر است.

بحار الأنوار، ج 52، ص 92

ص: 27

آیا تا به حال در باغچه خاننتان گلی کاشته اید؟ اصلا خانه شما حیاط و باغچه دارد؟

راستی چه گلی را دوست دارید؟ «یاس»، «لاله»، یا شاید هم «شمعدانی».

تا به حال تصمیم گرفته اید گلی که دوست دارید را در باغچه و یا گلدان بکارید و از آن مراقبت کنید؟

امتحان کنید اگر روزی تصمیم گرفتید این کار را انجام دهید، تنها کافی است دانه آن گل را در یک خاک مناسب قرار داده و مقداری کود با خاکش مخلوط کنید، آب کافی روی آن خاک بریزید و جایی برایش در نظر بگیرید که نور آفتاب هم به آن برسد.

مطمئن باشید، اگر از آن به خوبی مراقبت کنید، بعد از مدتی در محیط زندگی شما یک گل زیبا و قشنگ وجود خواهد داشت که با توجه شما روز به روز زیباتر و خوشبوتر میشود و هم خودتان از آن لذت میبرید و هم همه اعضای خانواده همه با دیدن آن گل شاد خواهند شد.

تا حالا به جایی رفته اید که تا چشم کار میکند گل و سبزه باشد، درختان سربه فلک کشیده باشند و پرندۀ ها بر روی شاخه ها ترانه بخوانند. یک گلستان واقعی شنیده ام که وقتی امام زمان (علیه السلام) بیاید دنیا گلستان میشود و هیچ اثری از ویرانی در عالم نمی ماند.

گلدان کوچک من

آقا جان بیا ...!

ما در دلهایمان بذر محبت شما را کاشته ایم و با یاد شما و دعا برای سلامتی و ظهور شما آبیاری اش میکنیم.

و قول میدهیم مواظب گلدانهای کوچکمان باشیم تا گلهای آن را در گلستان ظهور شما بکاریم.

ص: 28

در کلام معصوم:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم):

در زمان حکومت مهدی اهل زمین و آسمان و حتی پرندگان در هوا خشنود هستند.

مفاتیح الجنان، زیارت امام عصر (عج)

امام مهدی (عج):

ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی ماند.

احتجاج، ج 2، ص 497

امام مهدی (عج):

هیچ چیز مانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی ساید. پس نماز بگذار و بینی شیطان را به خاک بمال.

کمال الدین، ج 2، ص 520، ح 49

امام مهدی (عج):

همانا من امان و مایه ایمنی برای اهل زمینم همان گونه که ستاره ها سبب ایمنی اهل آسمان اند.

کمال الدین، ج 2، ب 45، ح 4

امام مهدی (عج):

دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای من اسوه و الگویی نیکو است.

طوسی، غیبت، ص 286، ح 245

امام مهدی (عج):

هر یک از شما باید کاری کند که او را به محبت و دوستی ما نزدیک سازد، و از آن چه خوشایند ما نیست و باعث کراهت و خشم ماست دوری گزیند

احتجاج، ج 9، ص 323

امام مهدی (عج):

برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید، پس همانا فرج شما در آن است.

کمال الدین، ج 2، ص 521، ح 49

ص: 29

فرهنگ نامه مهدوی

انتظار برای امام زمان (عج):

انتظار در فرهنگ ما شیعیان واژه ای مقدس و آسمانی است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «برترین عبادتها، انتظار فرج است».

انتظار یعنی چشم دل به طلوع آفتاب دوازدهم داشتن انتظار، یعنی دامن زمین پر از گل نرگس شود، انتظار یعنی حرکت، کوشش و تلاش و پرواز به سمت روشنی و نور.

فرج:

در لغت یعنی گشایش و آسودگی از اندوه و غم در اصطلاح به ظهور امام زمان (عج) گویند، زیرا ایشان گره از مشکلات و اندوه ها و مصیبت های جهانیان باز می کند.

سیصد و سیزده

این عدد در فرهنگ مهدویت، معروف است. حکایت آن درباره یاران خاص امام زمان (عج) است که تعدادشان به 313 نفر میرسد.

در بعضی از روایات آمده که پنجاه تن از این 313 نفر از زنان هستند.

امامت حضرت مهدی (عج)

با معنای «مام» در ابتدای مجله آشنا شدیم، حالا درباره مقام امامت صحبت میکنیم.

مقام «امامت»، امانت خداوند به انسانهای برگزیده ای است که بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای رهبری مردم انتخاب شدند این مقام به انسانهایی خاص داده شده است و اختصاص به سن و سالی خاص ندارد. بعضی از پیشوایان ما در کودکی به این مقام رسیده اند. و امام شده اند اولین کسی که در کودکی به امامت رسید امام جواد (علیه السلام) بود آغاز امامت امام زمان (علیه السلام) نیز در سن پنج سالگی است.

بیعت کردن

یکی از اتفاقات مهم در آغاز ظهور، بیعت امام زمان (عج) با یارانش در مسجد الحرام است. اولین بیعت کننده با حضرت فرشته بزرگ خداوند جبرئیل امین است.

روز جمعه

جمعه بهترین روز هفته است امام مهدی (عج) در این روز به دنیا آمده و در این روز به اذن خدا ظهور می نماید. در روز جمعه خواندن زیارت امام زمان (عج) و دعا برای تعجیل در ظهورشان و همچنین خواندن دعای ندبه مستحب است.

در لغت يعني: آشكار شدن چيز پنهان. در اصطلاح مهدويت يعني: ظاهر شدن امام زمان. ، پس از پنهان. زيستي طواني، براي قيام و برپايي حكومت عدل جهان.

خدای خوبم سلام

خدایا میدانم که تو برای همه بچه های روی زمین بهترینها را می خواهی و این را هم میدانم که اگر تلاش کنیم به همه بهترینها می رسیم. پدرم میگوید برای رسیدن به بهترینها باید خودمان هم بهترین باشیم.

بهترین بنده بهترین فرزند بهترین دوست خدایا!

تصمیم گرفته ام بهترین باشم میخواهم خوب ترین کارها را انجام دهم به زیباترین شکل ممکن

خدایا خوب میدانم که اگر تلاش مرا ببینی برای رسیدن به خواسته ام کمک می کنی

خدایا خدای توانا

توان مرا زیاد کن

تا بتوانم در مسیر بهترین بندگانت گام بردارم و خود را برای یاری بهترین بندگانت آماده کنم.

به امید ظهور بهترین آدم روی زمین

خواستم نامه ای به پاکی اشک بنویسم به آب ها بدهم بنویسم که ماه ماهستی نامه را به شهاب ها بدهم
من شنیدم که زود می خوانی نامه هایی که آب آورده من شنیدم که ارزوها را می کنی یک به یک برآورده
خواستم توی نامه بنویسم در دلم هر چه آرزو دارم کلماتم دوباره جاماندند پشت بغضی که در گلو دارم
سالها انتظار دیدن تو بغض توی گلوی من این است کاش میشد که زود برگردی بهترین آرزوی من این است

مهدی مردانی

ص: 32

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبادی - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

